

یادداشت

سیاست‌های منطقه‌ای و ضرورت هماهنگی با جهان اسلام و واقعیت‌های موجود

مرتضی‌شربیانی

چرا علی‌رغم تصمیمات پخته و عملکرد مطلوب سیاست‌مداران ایرانی در شرایط بحرانی، کارنامه کلی سیاست خارجی کشور مثبت نیست؟ چرا همان سیاست‌مدارانی که تهدیدات مهمی را از سر راه کشور برداشته‌اند و حتی گاهی با مهارت از بحران‌ها و تهدیدات فرصت ساخته‌اند، توانایی طراحی و اجرای یک سیاست خارجی پرتحرک و پویا را جهت تأمین منافع ملی کشور ندارند؟ این سؤالی است که پیش از این از خود پرسیده‌ام و حاصل آن یادداشتی است تحت عنوان «جهان در حال تغییر و فرصت‌های محدود» منتشرشده در سایت انتخاب. ۹ خرداد ۱۴۰۳. در آن هنگام نتیجه‌ای که از بررسی این معضل گرفتم بی‌توجهی بی‌مبالاتی عجیب طراحان و مجریان در برابر فرصت‌های کمیاب فضای بین‌الملل بود.

درواقع سیاست‌مداران ارشد ایرانی همواره فرصت‌های پیش‌آمده برای اصلاح سیاست‌های ناکارآمد و تصحیح رویکردهای قدیمی را با بی‌مبالاتی، تردید و تأخیر در تصمیم‌گیری از دست می‌دهند، اما وقتی با گذشت زمان فرصت‌ها به تهدید تبدیل می‌شود، تمام استعداد و توان خود را به کار می‌گیرند که خطر و تهدید را از کشور دور کنند یا احیاناً تهدیدات را به فرصت تبدیل کنند. این در حالی است که رویکردهای کهنه، شعاری و غیرعملی همچنان باقی است و به طور دائم کشور را در معرض انزوا و بحران قرار می‌دهد. بدیهی است انتظار این بود که این چرخه معیوب به تدریج از بین برود اما متأسفانه نگاهی به شرایط جاری نشانه چندان نویدبخشی را در برابرمان قرار نمی‌دهد.

برای روشن‌شدن موضوع لازم است گفته شود که به نظر می‌رسد

دسترسی به یک هدف صدساله با اتخاذ یک استراتژی هوشیارانه قابل

دسترسی است، هدفی که امکانات دستیابی بدان بیشتر مدیون تحولات

ناشی از تغییر در موازنه قدرت بین قطب‌های مهم قدرت جهانی است.

این هدف چیزی نیست به جز خروج قدرت‌های بین‌المللی از سواحل

جنوبی ایران و سپردن حفظ امنیت آن به کشورهای واقع در این منطقه.

اروپاییان وقتی در آغاز قرن ۱۶ میلادی حرکت در مسیر تسلط بر جهان

را آغاز کردند، با بهره‌گیری از تجربه و تبحر خود در دریانوردی بر تمام

تنگه‌ها و آبراه‌های مهم جهان تسلط پیدا کردند. یکی از این آبراه‌ها

خلیج فارس و تنگه هرمز بود که این اقدام موجب نخستین برخورد

ایران با استعمارگران شد. ایرانیان در طول تاریخ طولانی خود همواره

مردمی سلحشور و رزمجو بوده و امپراتوری‌های وسیعی را در منطقه

آسیای غربی برپا کرده‌اند.

یکی از مناطق استراتژیک آسیای غربی که دولت‌های ایرانی همواره بر آن سیطره داشته‌اند، تنگه هرمز، خلیج فارس و سواحل و جزایر واقع در آن بوده است که این مناطق به طور معمول تحت سلطه مستقیم یا غیرمستقیم دولت‌های ایرانی اداره می‌شد. اما سیطره کشورمان بر تمام سواحل جنوبی خود در پنج قرن اخیر با یک تهدید جدی مواجه شده و اروپاییان که به سبب اقلیم خود از توانمندی‌های دریایی در دریانوردی برخوردار بودند، موفق شدند بر این منطقه تسلط پیدا کنند. پرتغالی‌ها اولین نیروهای اروپایی بودند که پس از درگیری‌های طولانی در سال ۱۵۱۵ میلادی بر خلیج فارس تسلط یافتند. این تسلط به دلیل بی‌تربکی و ضعف ایرانیان در جنگ‌های دریایی تا صد سال بعد ادامه یافت تا اینکه در سال ۱۶۲۲ شاه عباس کبیر با بهره‌گیری توانمان از ابزارهای دیپلماتیک، در کنار توانایی‌های نظامی، موفق شد پرتغالی‌ها را در سال ۱۶۲۲ از هرمز بیرون براند. نکته مهم و قابل توجه در این زمینه این است که موفقیت دیپلماتیک شاه عباس در فرایند فتح هرمز چشمگیرتر از موفقیت نظامی او بود چنانکه او علی‌رغم بهره‌گیری از توان نیروی دریایی انگلستان، عملاً امتیاز مهمی به آنها نداد.

تنگه هرمز و خلیج فارس پس از آن تا ۲۰۰ سال در اختیار ایران بود تا اینکه در اوایل قرن نوزدهم نیروهای انگلیس در آن حضور یافته و به تدریج حاکمیت کامل خلیج فارس و تمام سواحل و بنادر آن را در دست گرفتند. حضور مسلط انگلستان و سپس آمریکا به سبب سیاست‌های تفرقه‌افکن و سودجویی پایان‌ناپذیر آنها، موجب توسعه فقر و بی‌ثباتی سیاسی در خلیج فارس شد به نحوی که همه دولت‌های حاکم بر ایران –حتی دولت پهلوی دوم که روابط گسترده‌ای با بلوک غرب داشت- خواستار خروج نیروهای خارجی و سپردن حفظ امنیت به خود کشورها منطقه بودند. بدیهی است قدرت‌های مسلط هر دوره به دلیل ارزش‌های اقتصادی و استراتژیک خلیج فارس و تنگه هرمز هیچ‌گاه مایل به خروج از این منطقه نبودند.

اما به نظر می‌رسد که این شرایط در حال تغییر است و برای اولین بار آمریکا به عنوان قدرت مسلط در نظام بین‌الملل علاقه‌مند به کاهش حضور در منطقه است و در این مسیر تلاش دارد بحران‌های کهنه و مزمن موجود در منطقه را حل‌وفصل کند. در واقع آشکارشدن هر چه بیشتر قدرت اقتصادی بالقوه و بالفعل چین در کنار تعارض نظام سیاسی این کشور با ساختار سیاسی مدنظر بلوک غرب، آمریکا را متقاعد کرد که ضروری است تمرکز خود را به آسیای شرقی و حوزه اقیانوس آرام معطوف کند.

این تغییر در دوره دوم ریاست‌جمهوری اوباما شروع شد اما روند آن در دوران ترامپ با سروصدا و هياهو در زمینه جنگ تجاری با چین نمود بیرونی و رسانه‌ای بیشتری پیدا کرد. روند افزایش توجه و تمرکز آمریکا به شرق در دوره بایدن به ابعاد نظامی و استراتژیک گسترش یافت و اکنون به جایی رسیده که تمام چهره‌های اصلی طراح و مجری سیاست خارجی آمریکا بدون استثنا چین را مهم‌ترین اولویت در سیاست خارجی آمریکا می‌دانند و تلاش دارند با کاهش تعهدات آمریکا در اقصی نقاط جهان از جمله خاورمیانه حضور خود را در حوزه آسیای شرقی تقویت کنند.

اما نکته مهم‌تر در این میان رویکرد آمریکا برای حل‌وفصل بحران‌های بین‌المللی است که رویکردی است خودمحورانه، امپریالیستی و کاملاً بی‌اعتنا به نظرات و مشکلات متحدان قدیمی این کشور. آمریکا برای حل بحران اوکراین هیچ اعتنایی به نظرات خود اوکراین و کشورهای اروپایی ندارد. این در حالی است که آمریکا اصولاً نیازی به کنارگذاشتن متحدان اروپایی خود از روند گفت‌وگوها درباره جنگ اوکراین نداشت و تجربه سال‌های اخیر ثابت کرده بود که کشورهای اروپایی در نهایت با رویکرد آمریکا همراهی خواهند کرد.

از سوی دیگر پیشنهاد ترامپ درخصوص جابه‌جایی فلسطینی‌ها و انتقال آنان به مصر، اردن یا عربستان سعودی، صرف‌نظر از اجرائی بودن یا نبودن آن، به قدری توهین‌آمیز و غیرقابل قبول است که عملاً مسیر را برای هرگونه مذاکره‌ای درخصوص حل بحران فلسطین مسدود کرده و …

واکاوی آنچه چند روز گذشته در فضای دانشگاهی گذشت؛ در گفت‌وگویی با معاون دانشجویی دانشگاه تهران

مطالبات صنفی دانشجویان را سیاسی خوانی نکنیم

موسی موحد: در شامگاه ۲۴ بهمن ۱۴۰۳، «امیرمحمد خالقی درمیان»، دانشجوی ایرانی ۱۹ساله دانشگاه تهران هنگام مراجعه به خوابگاه دانشگاه توسط دو سارق موتورسوار مورد حمله قرار گرفت و صبح روز بعد درگذشت. قتل این دانشجو سلسله اعتراضاتی را در دانشگاه تهران و چند دانشگاه دیگر پایتخت به دنبال داشت که چند روز به طول انجامید. اما در این بین سعی شده بود که با گره‌زدن این قتل به اتفاقات مشابه در سال‌ها و دهه‌های قبل، به نحوی بهره‌برداری‌های سیاسی و موج‌سواری‌های رسانه‌ای لازم صورت بگیرد. با این حال دولت چهاردهم از رئیس‌جمهور تا معاون اول، وزیر علوم و مقامات دانشگاه تهران به دنبال مدیریت و کنترل اعتراضات دانشجویی با کمترین هزینه ممکن بودند. کما اینکه علی‌حسین رضایان قیبه‌باشی اعتقاد دارد «تمام هم و غم و تلاش مقامات در روزهای گذشته شنیدن صدای اعتراض بحق دانشجویان و بیکبری مطالبات آنها بود». البته معاون دانشجویی دانشگاه تهران در کپ‌وگفت خود با «شرق» بر این نکته تأکید می‌کند که «نایب‌اد اعتراضات چند روز اخیر دانشجویان تهران را با قرائت سیاسی تحلیل کرده»، بلکه به گفته او این اعتراضات صرفاً مطالبات صنفی و خواسته‌های دانشجویی بوده است». آنچه در ادامه می‌خوانید، مشروح گفت‌وگو با این چهره دانشگاهی است.



علی‌محمد خالقی، معاون دانشجویی دانشگاه تهران

و امنیت‌گره بخورد که مبادا از بیرون از دانشگاه برای کنترل و مدیریت اعتراضات ورود کنند. واقعا هیئت‌رئیس دانشگاه تهران از همان اول سعی کرد این موضوع را به درستی جا بیندازد که اعتراضات دانشجویان سیاسی نیست، یک اعتراضات صنفی است و باید در خود دانشگاه تهران حل شود و به همین دلیل اجازه هم ندادیم که بهره‌برداری‌ها و سوءاستفاده‌های سیاسی و رسانه‌ای در اعتراضات دانشجویان صورت بگیرد.

علیرضا هاشمی، دبیر انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه تهران گفته است که در تجمع بزرگداشت امیرمحمد خالقی دانشجویان خواستار ورود دخترانی بودند که پشت نرده‌ها تجمع کرده بودند؛ در نهایت، تعدادی از دانشجویان دختر توانستند وارد شوند و در این میان، حلقه‌ای از محاصره دور دانشجویان دختر ایجاد شد که بیسیم یکی از نیروهای لباس شخصی به زمین می‌افند و همین موضوع منجر به اعتراض آن دختر می‌شود، اما فرد لباس شخصی او را هل می‌دهد تا خود فرار کند که باعث تنش می‌شود. این روایت را تا چه حد درست می‌دانید؟

لباس شخصی مذکور نیروی خاصی بود؟

تا آنجایی که در جریان اطلاعات و جزئیات موضوع هستم این نیروی خودسسر و لباس شخصی هیچ ارتباطی با نهادهای اطلاعاتی و امنیتی ندارد، بلکه خطی اخباری که بعد از آن اطلاع یافتم او نیروی از یکی از پایگاه‌های بسیج اطراف بود که بدون هماهنگی به این مسئله ورود کرد. چون گفته بود که به هر حال احساس تکلیف و وظیفه کرده است. اما عملکرد او متأسفانه به تشدید تشنج در فضای دانشگاه منجر شد و برخورد او با یکی از دانشجویان دختر دانشگاه تهران باعث تحریک سایر دانشجویان شد و به همین واسطه بود که حدود چهار ساعت موضوع از کنترل خارج شد. البته نیروهای حراست و انتظامات دانشگاه تهران و همچنین خود هیئت‌رئیس دانشگاه تهران، وزارت علوم و سازمان امور دانشجویان همگی خود را سپر کردند که خدای ناکرده باعث ورود نهادهای انتظامی بیرون از دانشگاه به فضای دانشگاه نشوند تا مبادا اتفاق تلخ و ناگواری روی ندهد. اما چه بخواهیم و چه نخواهیم متأسفانه این اتفاقات، ولو به شکل مقطعی و جزئی روی داد؛ کمااینکه عملکرد همین نیروی خودسسر و برخوردش با یک دانشجوی دختر فضا را متشنج کرد. به هر حال باید اذعان کرد اقدامات غیرمسئولانه بیرون از فضای دانشگاه نه تنها هزینه را صرفاً فقط برای دانشکاه و دانشجویان بالا می‌برد، بلکه حتی در لایه گسترده‌تر این هزینه بر نیروهای انتظامی و اطلاعاتی و امنیتی کشور تحمیل می‌شود. لذا باید این اتفاقات درس عبرتی باشد که هیچ فردی به خودش اجازه ندهد بیرون از فضای دانشگاه و بدون هماهنگی و خودسرانه وارد مسائل صنفی دانشگاه شود؛ این هم در شرایطی که دانشجویان معترض به دلیل حادثه تلخ مرگ مرحوم خالقی به شدت ناراحت و در عین حال حساس بودند و باید به آنها توجه می‌شد و اعضای دانشگاه تهران را هم بحق‌شان شنیده می‌شد.

به نظر می‌رسد نهادهای انتظامی هم با توجه به همان تجربیات دهه‌های ۷۰ و ۸۰ این بار با خودداری بیشتری عمل کردند؟

بله، این نکته شما کاملاً درست است و مسئولان انتظامی، اطلاعاتی و امنیتی شهر تهران و کلاً کشور به مسئولان دانشگاه تهران اطمینان کردند و اجازه دادند که این موضوع و اعتراضات دانشجویان در خود فضای دانشگاهی و به شکل صنفی پاسخ داده بشود و از هرگونه ورود بیرونی به شکل انتظامی و اطلاعاتی و امنیتی جلوگیری شود. اتفاقاً همین نهادهای بازخورد مثبت و متناسب اعتمادشان به اعضای دانشگاه تهران را هم دیدند که اعتراضات دانشجویی که بحق هم بود، با کمترین هزینه مدیریت شد. یعنی حتی برای یک دانشجو هم موضوع مسئله‌ای پیش نیامده است. ما هم به اقتضانات نهادهای انتظامی، اطلاعاتی و امنیتی واقفیم و هم وضعیت حساس کشور را درک می‌کنیم، اما امید داریم اگر در آینده خدای نکرده دوباره از این دست اعتراضات شکل گرفت، مجدداً به ما اطمینان کنند و اجازه ندهند که نهادهای بیرونی وارد اعتراضات صنفی دانشجویان شوند تا مبادا خوراک رسانه‌ای و سیاسی برای دشمنان فراهم شود و دانشجویان که سرمایه‌های ارزنده ایران هستند، قربانی این موج‌سواری‌ها نشوند. نهادهای انتظامی، اطلاعاتی و امنیتی باید دیدند که فضای دانشگاهی و دانشجو یک فضای کاملاً ویژه است و باید اقتضانات نحوه ورود به آن را هم بلد باشند که یک رویکرد کاملاً متفاوت را می‌طلبد. اتفاقاً می‌توان میان نهادهای دانشگاهی و سازمان‌های اطلاعاتی و

امنیتی گره بخورد که مبادا از بیرون از دانشگاه برای کنترل و مدیریت اعتراضات ورود کنند. واقعا هیئت‌رئیس دانشگاه تهران از همان اول سعی کرد این موضوع را به درستی جا بیندازد که اعتراضات دانشجویان سیاسی نیست، یک اعتراضات صنفی است و باید در خود دانشگاه تهران حل شود و به همین دلیل اجازه هم ندادیم که بهره‌برداری‌ها و سوءاستفاده‌های سیاسی و رسانه‌ای در اعتراضات دانشجویان صورت بگیرد.

علیرضا هاشمی، دبیر انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه تهران گفته است که در تجمع بزرگداشت امیرمحمد خالقی دانشجویان خواستار ورود دخترانی بودند که پشت نرده‌ها تجمع کرده بودند؛ در نهایت، تعدادی از دانشجویان دختر توانستند وارد شوند و در این میان، حلقه‌ای از محاصره دور دانشجویان دختر ایجاد شد که بیسیم یکی از نیروهای لباس شخصی به زمین می‌افند و همین موضوع منجر به اعتراض آن دختر می‌شود، اما فرد لباس شخصی او را هل می‌دهد تا خود فرار کند که باعث تنش می‌شود. این روایت را تا چه حد درست می‌دانید؟

همان‌طورکه گفته نه دانشجویی اکنون در قید بازداشت داریم و نه اینکه قرار است برای همان دانشجویان هم تشکیل پرونده بشود و آنها را فرابخوانند. البته من چند روز اخیر به خود دانشجویان معترض هم فکتم مطالبات آنها که البته مطالبات باحقی است، شنیده شد و دیگر لزومی به ادامه اعتراضات وجود ندارد. واقعا اکنون مقامات در حال جبران بخشی از قصورات و کوتاهی‌ها هستند.

در جریان اعتراضات چند روز اخیر هم محمد زارع چاوهکی، مدیرکل امور خوابگاه‌های دانشگاه تهران، استعفا داد و هم متهمان مربوط به قتل مرحوم خالقی دستگیر شدند. آیا این دست اقدامات باعث توقف اعتراضات دانشجویان خواهد شد؟
خوشبختانه پیش‌بینی ما ادامه اعتراضات نیست. دانشجویان قشر فرهیخته جامعه هستند و وقتی می‌بینند صدا و اعتراضات بحق آنها شنیده شده است، وقتی می‌بینند نیروهای انتظامی در کمترین‌ن زمان ممکن متهمان مربوط به قتل مرحوم خالقی را دستگیر کردند و فرمانده انتظامی دستور ویژه برای بیکبری این موضوع داده است، قطعاً دانشجویان هم این موضوع را مدنظر دارند و دیگر ضرورتی هم برای ادامه اعتراضات وجود ندارد.
طبق مطالبات دانشجویان قرار است که نصب کیوسک انتظامی، نصب دوربین‌های امنیتی و سیستم‌های روشنایی را داشته باشیم، اما باز هم موج‌سواری سیاسی و رسانه‌ای در این خصوص ناشیک گرفته و طیفی موضوع «امنیتی‌کردن دانشگاه» را مطرح کرده‌اند. آیا این اقدامات فضاسازی برای امنیتی‌کردن دانشگاه خواهد بود؟

اینجا دو موضوع مطرح است. یکی خواسته‌ها و مطالبات بحق برای تأمین امنیت جانی و مالی دانشجویان که سرمایه‌های ارزنده کشور هستند و از اقصی نقاط کشور ایران در کلان‌شهرهایی مانند تهران مشغول ادامه تحصیل هستند؛ همچنانی که در ادامه باید دستگاه‌های انتظامی هم وظیفه حفظ جان و مال و امنیت تک‌تک شهروندان کشور را انجام دهند. اما موضوع دیگری که نباید با این محبت خلط شود، امنیت‌سازی فضای دانشگاه است؛ اینکه نهادهای انتظامی در همین موضوع مرگ تلخ مرحوم خالقی به شکل فوری و جدی ورود کردند و متهمان را دستگیر کردند، نشان می‌دهد که عملکرد آنها قابل دفاع است. اینکه نهادهای انتظامی و اطلاعاتی و امنیتی در برخورد با سارقان و اشرار اقتدار داشته باشند، هم برای دانشجویان و هم برای دیگر اقسار معنای تأیید فضایی امنیتی دانشگاه نیست و موج‌سواری‌های سیاسی و رسانه‌ای دال بر اینکه نصب دوربین‌های امنیتی و سیستم‌های روشنایی و کیوسک‌های انتظامی در دانشگاه و معابر منتهی به آن به امنیتی‌کردن دانشگاه منجر خواهد شد، موضوع درستی نیست و قرار هم نیست از این دوربین‌ها و کیوسک‌های انتظامی یا سیستم‌های روشنایی خدای ناکرده برای اهداف دیگری استفاده شود. اتفاقاً کیوسک‌های انتظامی، سیستم‌های روشنایی و دوربین‌های امنیتی دقیقاً در جاهایی نصب می‌شوند که خود دانشجویان مطالبه کرده‌اند و من این را هم در گفت‌وگو با روزنامه «شرق» تضمین می‌دهم که نصب کیوسک‌های انتظامی یا سیستم‌های روشنایی و دوربین‌ها کوچک‌ترین ارتباطی به این مسائل حاشیه‌ای ندارد، و صرفاً طبق خواسته‌های بحق دانشجویان و تنها و تنها برای تأمین امنیت جانی و مالی آنهاست تا ترددشان با حداکثر امنیت صورت بگیرد.

شرق روزانه

خبر

در دیدار با رئیس مجلس سنای پاکستان

قالیبااف: رژیم صهیونیستی منطقه را به آتش کشیده است

ظهر دیرروز چهارشنبه محمدباقر قالیبااف، رئیس مجلس شورای اسلامی، با یوسف‌فرزا گیلانی، رئیس مجلس سنای پاکستان، در حاشیه بازدیدهمین مجمع عمومی مجالس آسیایی (APA) دیدار کرد. به نوشته ایسنا، قالیبااف در این دیدار گفت: «ما دو ملت فرهنگ مشترک داریم و دارای ارتباط سیاسی، اقتصادی، تاریخی و مرز طولانی هستیم و این فرصت زیادی بین دو کشور فراهم کرده است. ارتباط بین مردم ایران و پاکستان قوی و مستمر است و این بسیار اهمیت دارد». رئیس مجلس کشورمان افزود: «پارلمان‌های دو کشور برای توسعه روابط در سطوح مختلف، روابط دوجانبه، منطقه‌ای و بین‌المللی همکاری جدی، اساسی و عملی بیش از گذشته باید داشته باشند». قالیبااف ادامه داد: «روابط فرهنگی بین دو کشور بسیار مهم است. در مناسبت‌های مذهبی، برای کار و گردشگری به میزان درخور توجهی از مردم پاکستان به ایران سفر می‌کنند. توسعه روابط اقتصادی از اهمیت زیادی برخوردار است. دو بازارچه مرزی درحال حاضر وجود دارد که این ظرفیت وجود دارد که آن را به پنج بازارچه افزایش دهیم. باید این ظرفیت را برای مردم فراهم کنیم». رئیس‌قوه مقننه

این را هم بیان کرد که «یکی از موضوعات مهمی که می‌تواند در فعالیت‌های اقتصادی، فرهنگی و روابط دو کشور جالش ایجاد کند، نامنی‌ها در مرز طولانی بین دو کشور است. روابط نزدیک و خوبی در کنار فعالیت‌های سیاسی و اقتصادی شکل گرفته و آن همکاری‌های امنیتی و نظامی بین دو کشور برای ایجاد امنیت بیشتر است. این موضوع به قدری مهم است که در کنار توسعه همکاری‌ها باید به آن توجه شود». به گفته قالیبااف، «در شرایط تحریم ظالمانه و یک‌جانبه آمریکا، برای برقراری ارتباط اقتصادی بین دو کشور و بین مردم باید، زمینه‌هایی فراهم شود که مردم بتوانند تعاملات تجاری خود را بدون دلار انجام دهند. این یکی از ضروریاتی است که باید در همکاری‌های بانکی دو کشور مورد توجه قرار بگیرد». نکته بسیار مهم دیگری که قالیبااف بر آن تأکید داشت، ناظر بر مسائل منطقه‌ای ایران و درهم‌پارته خاطر نشان کرد: «مهم‌ترین موضوع در بین کشورهای اسلامی، بحث فلسطین، غزه، لبنان و سوریه است و این یک موضوع بسیار پیچیده و مهم ویژه‌برای کشورهای اسلامی محسوب می‌شود. رژیم صهیونیستی به عنوان یک غده سرکش امروز همه منطقه را به آتش کشیده و امنیت همه مسلمانان را به خطر انداخته است». قالیبااف این را هم عنوان کرد که «بدون شک آمریکایی‌ها با تمام امکانات خود از این رژیم حمایت می‌کنند و آن‌قدر موضوع آشکار شده که ترامپ با صراحت تمام اعلام می‌کند مردم غزه را بیرون می‌کنم و قصد دارم آنجا را به منطقه تجاری تبدیل کنم. کشورهای مسلمان وامت اسلامی چه تصمیماتی می‌گیرند و با این موضوعات باید چگونه رفتار کرد؟ بدون شک آموخته‌های ما از اسلام این است که در مقابل چنین ظلمی باید بااستیم». او اضافه کرد: «امروز آمریکا و رژیم صهیونیستی در تلاش هستند اختلافات و نامنی را بین کشورهای اسلامی بیشتر کنند و عقب‌باندگی را دنبال می‌کنند و این‌جالش‌ها را برای جهان اسلام در منطقه درست می‌کنند. ما به‌عنوان دو کشور مسلمان و همسایه باید تلاش کنیم یکپارچه با همه کشورهای اسلامی و عرب در مقابل ظلم بااستیم». رئیس مجلس شورای اسلامی از رئیس مجلس ملی پاکستان دعوت کرد تا در اجلاس پارلمانی او که در تهران برگزار خواهد شد، شرکت کند. یوسف‌فرزا گیلانی، رئیس مجلس سنای پاکستان نیز در این دیدار با اشاره به سفرهای خود به ایران و نزدیکی فرهنگی، سیاسی، مذهبی و تاریخی مردم دو کشور گفت: «ایران و پاکستان دو برادر دوقلو هستند. زمینه‌های همکاری زیادی بین دو کشور وجود دارد و می‌توانیم در این حوزه‌ها همکاری کنیم. مردم زیادی از پاکستان برای زیارت و کار به ایران می‌آیند، از میزبانی شما تشکر می‌کنم». او توضیح کرد: «ایران و پاکستان در مجامع پارلمانی از جمله IPU، APA و PUIC و دیگر زمینه‌ها همکاری‌های خوبی با یکدیگر دارند. درباره مسائل فلسطین اشتراک موضع داشته و باور داریم که اگر این موضوعات حل نشوند، هیچ‌گاه نمی‌توانیم در منطقه ثبات داشته باشیم. باور داریم که نیازمند وحدت در امت اسلامی هستیم و در سطح OIC می‌توانیم درباره غزه به اجماع برسیم.»